



Challenges and Issues of Divorce for Iranians Living Abroad with Emphasis on Judicial Practice

Mostafa Elsan* 

Associate Professor, Faculty of Law, Shahid
Beheshti University, Tehran, Iran

Ali Aghayari 

PhD in Private Law, Legal and Consular
Expert at the Ministry of Foreign Affairs,
Tehran, Iran

Leila Najafizadeh 

PhD in Private Law, Department of Law,
Urmia Branch, Islamic Azad University,
Urmia, Iran

Abstract

Family disputes are one of the most common disputes among Iranians both inside and outside the country. For individuals who are Iranian citizens living in other countries, access to the Iranian judiciary or access to mechanisms that allow them to receive legal services from Iran becomes important in certain cases. Especially in the matter of divorce and separation, there is a possibility that one of the spouses may want to use the Iranian legal system for divorce. It is obvious that unnecessary strictness (in terms of formal and substantive laws and

* Corresponding Author: m_elsan@sbu.ac.ir

How to Cite: Elsan, M. , Aghayari, A. and Najafizadeh, L. (2025). Challenges and Issues of Divorce for Iranians Living Abroad with Emphasis on Judicial Practice. *Private Law Research*, 13 (50), 1 - 36. doi: [10.22054/jplr.2025.85063.2914](https://doi.org/10.22054/jplr.2025.85063.2914)

different procedures) can pave the way for deprivation of access to justice or to refer to other judicial systems.

In addition, the Family Protection Act provides for a non-judicial mechanism for divorces of Iranians abroad. The recognition and enforcement of divorce decisions issued by foreign courts is also an issue that Iranian courts deal with strictly, and it is necessary to examine the conditions and obstacles of such institutions. Finally, the article discusses the issue that using electronic litigation can facilitate Iranian citizens' access to the Iranian judiciary and enable judicial review of divorce cases.

The research method of this paper is descriptive. Given the theoretical nature of the research, the method of collecting field data will not be relevant, and due to the technical and legal approach of the research, the method of collecting data will be library-based; however, an attempt will be made to use judicial practice, court decisions, and related customs in analyzing the issues and topics.

Divorce and separation from each other are one of the problems of Iranians abroad, and most of Iran's missions abroad are involved in and related to such issues. In this regard, considering the legal gaps that exist, we see in practice that these shortcomings cause dissatisfaction among people when referring to the missions.

According to Articles 6 and 7 of the Civil Code and Articles 12 and 13 of the Constitution, divorce-related lawsuits are part of personal affairs and are generally subject to the law of the Islamic Republic of Iran. However, when considering the lawsuits, the court must take into account the law of the spouses' country of origin in the divorce proceedings.

Divorce, due to its specific formalities, is in a way within the jurisdiction of domestic courts. In cases where a divorce decision is issued by foreign courts, this decision needs to be ratified by Iranian courts. Therefore, if the decision issued by the foreign court is against the substantive laws of Iran, such a decision will not be enforceable in Iran.

Of course, in Iran, the personal status of non-Muslims (such as Christians, Jews, and Zoroastrians) is subject to the regulations of their own religion, based on the Civil Code and some specific laws. From Article 7 of the Civil Code: It follows that non-Muslim citizens are usually subject to the specific regulations of their own religion, except in cases where Iranian law provides otherwise. In addition, according to Article 13 of the Constitution, Zoroastrian, Jewish, and Christian Iranians are officially recognized as religious minorities and follow their religious regulations in personal matters (marriage, divorce, inheritance, etc.). At the same time, if the religious regulations of non-Muslims conflict with Iranian public law (such as public order or good morals), Iranian courts will refuse to ratify and, consequently, enforce such rulings.

In this paper, we will try to examine the jurisdiction of domestic courts over claims of Iranians abroad, the solutions provided by the legislator and the existing procedures in the representations of the Islamic Republic of Iran in dealing with divorce claims of couples abroad, and, given the increasing development of electronic litigation, we will present the necessary solutions for further progress of our country's legal system. This article examines the "Challenges and Issues of Divorce of Iranians Living Abroad with an Emphasis on Judicial Procedure" in four sections as follows: Divorce of Iranians Living Abroad: Substantive Regulations and Competent Court (Section One), Identification of Foreign Divorce Decisions in Iran (Section Two), Non-Judicial Mechanisms of Divorce of Iranians Living Abroad (Section Three), and Electronic Proceedings of Divorce of Iranians Living Abroad (Section Four), and finally, the conclusion and related suggestions are presented.

The approach of this paper is that although the Family Protection Act and the Consular Services Provision Circular (regarding the instructions for providing consular services at the embassy) have attempted to reduce or clarify the divorce procedures for Iranians abroad to some extent, this measure still faces numerous practical

challenges, and the lengthy process, in some cases, discourages Iranian citizens from referring to Iranian law and courts.

Keywords: Divorce, Iranians abroad, Family Protection Law, Enforcement and Execution of the Decision.





چالش‌ها و مسائل طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور با تأکید بر رویه قضایی

مصطفی السان*  دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

علی آقاباری  دکترای حقوق خصوصی، کارشناس حقوقی و کنسولی وزارت امور خارجه، تهران، ایران

لیلا نجفی‌زاده  دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

چکیده

دعوی خانوادگی، از جمله دعاوی شایع میان ایرانیان، چه در داخل و چه در خارج از کشور به‌شمار می‌رود. برای اتباع ایرانی که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند، دسترسی به دادگستری کشور ایران یا بهره‌مندی از سازوکارهایی که بتوانند خدمات حقوقی از ایران دریافت کنند، در مواردی خاص اهمیت پیدا می‌کند؛ به‌ویژه در موضوعاتی نظیر طلاق و جدایی از همدیگر، که ممکن است یکی از زوجین تمایل داشته باشد از نظام حقوقی ایران برای طلاق استفاده کند. بدیهی است که سخت‌گیری‌های غیرضروری -از حیث قوانین شکلی و ماهوی و رویه‌های متفاوت- منجر به محرومیت افراد از حق دادخواهی یا سوق دادن آنان به نظام‌های قضایی دیگر شود. قانون حمایت خانواده، سازوکار غیرقضایی را برای طلاق ایرانیان خارج از کشور، پیش‌بینی کرده است. با این حال، دادگاه‌های ایران در مورد تنفیذ و شناسایی آرای طلاق صادره از دادگاه‌های خارجی رویکردی سخت‌گیرانه دارند؛ از این رو، ضرورت دارد شرایط و موانع چنین نهادهایی مورد بررسی قرار گیرد. در پایان مقاله، به این موضوع پرداخته شده است که بهره‌گیری از دادرسی الکترونیکی می‌تواند دسترسی شهروندان ایرانی به دادگستری داخل کشور را تسهیل کند و امکان رسیدگی قضایی به دعاوی طلاق را فراهم سازد. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است و گردآوری داده‌ها، از طریق فیش‌برداری صورت گرفته است؛ بدین معنا که اطلاعات به‌دست‌آمده از مطالعات، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در تحلیل مسائل از رویه‌های قضایی، آرای دادگاه‌ها و قوانین و مقررات مرتبط، استفاده شده است. رهیافت نوشته حاضر این است که هرچند در «قانون حمایت خانواده» و «بخشنامه ارائه خدمات کنسولی» (ناظر بر دستورالعمل انجام خدمات کنسولی در نمایندگی‌ها)، کوشش شده تا تشریفات مربوط به طلاق ایرانیان خارج از کشور تا حدودی کاهش بیابد و فرایندها شفاف‌سازی شود، اما این اقدامات، همچنان با چالش‌های عملی متعددی روبه‌رو هستند. طولانی شدن فرایند، در مواردی خاص ممکن است برخی از اتباع ایرانی را از مراجعه به قانون و دادگاه‌های داخل کشور منصرف سازد.

کلیدواژه‌ها: ایرانیان خارج از کشور، تنفیذ و اجرای رأی، طلاق، قانون حمایت خانواده.

مقدمه

طلاق و جدایی از همدیگر یکی از مشکلات ایرانیان خارج از کشور است و بیشتر نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، با چنین موضوعاتی درگیر و مرتبط هستند. در همین خصوص با توجه به خلأهای قانونی که وجود دارد در عمل شاهد هستیم این نواقص موجب نارضایتی اشخاص در مراجعه به نمایندگی‌ها می‌گردد.

مطابق مواد ۶ و ۷ قانون مدنی و اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی، دعاوی مربوط به طلاق، از جمله احوال شخصیه محسوب می‌شوند و اصولاً تابع قانون دولت جمهوری اسلامی ایران هستند. با این وصف، محکمه در زمان رسیدگی به این دعاوی، موظف است قانون دولت متبوع زوجین را در تشریفات طلاق مدّ نظر قرار دهد. با توجه به تشریفات خاص مربوط به طلاق، صلاحیت رسیدگی به این موضوع عمدتاً در اختیار دادگاه‌های داخل کشور است. در مواردی هم که محاکم خارجی رأیی مبنی بر طلاق صادر می‌کنند، این رأی نیازمند تنفیذ از سوی دادگاه‌های ایران است. بنابراین، چنانچه رأی صادره دادگاه خارجی خلاف قوانین ماهوی ایران باشد، چنین رأیی قابل ترتیب اثر و اجرا در ایران نخواهد بود.^۱

البته در ایران، احوال شخصیه غیرمسلمانان (مانند مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) براساس قانون مدنی و برخی قوانین خاص، تابع مقررات دین و مذهب خود ایشان است. از ماده ۷ قانون مدنی: چنین برمی‌آید که اتباع غیرمسلمان معمولاً تابع مقررات خاص مذهب و دین خود هستند، مگر در مواردی که قانون ایران حکم دیگری داشته باشد. به علاوه، براساس اصل ۱۳ قانون اساسی، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به عنوان اقلیت‌های دینی رسمی شناخته می‌شوند و در احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و...) از مقررات دینی خود پیروی می‌کنند. با این حال، اگر مقررات دینی غیرمسلمانان با قوانین عمومی ایران (مثل نظم عمومی یا اخلاق حسنه) در تضاد باشد، دادگاه‌های ایرانی از تنفیذ و اجرای چنین آراییی امتناع خواهند کرد.

۱ لازم به ذکر است برای ایرانیان مقیم خارج از کشور که دارای تابعیت مضاعف (دو تابعیتی) هستند، محاکم ایران قانون ایران را اعمال خواهند کرد.

یکی از موضوعات مهمی که قانونگذار تا قبل از تصویب قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ مورد توجه خود قرار نداده بود، نحوه و روند درخواست طلاق زوجین ایرانیان مقیم خارج از کشور بود. اما، پس از تصویب قانون حمایت مصوب ۱۳۹۱ این موضوع تا حدودی برطرف گردید و قانونگذار تلاش کرد تا صلاحیت دادگاه‌های ایرانی را در این زمینه گسترش دهد.

در این مقاله سعی می‌شود با بررسی صلاحیت دادگاه‌های داخلی نسبت به دعاوی ایرانیان مقیم خارج از کشور، راه‌حل‌های ارائه‌شده از سوی مقنن و رویه موجود در نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با دعاوی طلاق زوجین در خارج از کشور پرداخته شود. با توجه به توسعه روزافزون دادرسی الکترونیکی، هدف آن است راهکارهای مؤثر برای پیشرفت هرچه بیشتر نظام حقوقی کشورمان ارائه گردد. این مقاله در چهار گفتار بدین شرح به بررسی «چالش‌ها و مسائل طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور با تأکید بر رویه قضایی» می‌پردازد: طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور: مقررات ماهوی و دادگاه صالح (گفتار اول)، شناسایی آرای طلاق خارجی در ایران (گفتار دوم)، سازوکارهای غیرقضایی طلاق ایرانیان در خارج از کشور (گفتار سوم) و دادرسی الکترونیکی طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور (گفتار چهارم) و در انتها نتیجه و پیشنهادهای مرتبط ارائه خواهد شد.

گفتار اول. طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور: مقررات ماهوی و دادگاه صالح
در این گفتار مقررات ماهوی مرتبط با طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور و دادگاه صالح از حیث قوانین کشورمان به ترتیب بررسی می‌شود.

بند اول. مقررات ماهوی مرتبط با طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور
طبق ماده ۶ قانون مدنی، قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح، طلاق، اهلیت اشخاص و ارث، بر کلیه اشخاص تبعه ایران حاکم است؛ ولو اینکه مقیم خارج از کشور باشند؛ لکن قانونگذار در ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱)، در دعاوی خانواده، احکام صادره از محاکم خارجی را با شرط بررسی و تنفیذ پذیرفته است. مقنن

در این ماده مقرر داشته: «هرگاه ایرانیان مقیم خارج از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیت‌دار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم یا مراجع در ایران اجرا نمی‌شود مگر آنکه دادگاه صلاحیت‌دار ایرانی این احکام را بررسی و حکم تنفیذی صادر کند».

بدین ترتیب سردفتران متصدی ثبت طلاق، در دفاتر رسمی و شناسنامه، نمی‌توانند طلاق صادرشده در محاکم خارج از کشور را ثبت کنند و باید حکم طلاق صادره از محاکم خارج از کشور در دادگاه‌های خانواده تنفیذ شود. بنابراین، برای تنفیذ حکم طلاق ایرانیان خارج از کشور، طرفین یا وکلای آنان باید با ارائه مدارک و مستندات مربوطه، مبادرت به تقدیم دادخواست تنفیذ طلاق در دادگاه خانواده دارای صلاحیت محلی کنند.

مدارک مورد نیاز برای تنفیذ حکم طلاق به شرح زیر است:

- نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت اصالت آن توسط مأمور کنسولی ایران گواهی شده باشد.

- ترجمه رسمی حکم گواهی شده به زبان فارسی.

- سایر مدارک اعم از مدارک شناسایی، وکالت‌نامه و...

رویه قضایی، رعایت مقررات ایران را شرط ارائه مدارک برای تنفیذ طلاق واقع در خارج می‌داند. «چنانچه زوجین ایرانی مقیم خارج از کشور، جهت طلاق به دادگاه خارجی مراجعه کرده و مدعی رعایت قوانین کشور ایران باشند، ملزمند مدارک کافی دلالت بر رعایت شرایط صحت طلاق مقرر در قوانین ایران ارائه کنند و اثبات نمایند آنرا از طریق دفاتر بین‌المللی مربوط به روابط دیپلماتیک و کنسولی دولت جمهوری اسلامی ایران اجرا نموده‌اند و در این صورت مجاز به درخواست تنفیذ صحت آن از محاکم ایران خواهند شد».^۱

۱ رأی شماره ۹۴۰۹۹۸۱۳۱۰۸۰۰۲۰۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۰ شعبه بیست‌ودوم دیوان عالی کشور؛ به نقل از: سامانه ملی آرای قضایی، پژوهشگاه قوه قضاییه (<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10334>)، (تاریخ مراجعه پنج‌شنبه - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴).

در رویه قضایی، بعضی از دادگاه‌ها، آرای خارجی درمورد طلاق را اساساً غیرقابل تنفیذ دانسته و آن‌ها را شایسته شناسایی نمی‌دانند.^۱ چنین اطلاقی در رویه قضایی ازجمله با ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی که شرایط اجرای آرای صادره از دادگاه‌های خارجی را تشریح می‌کند و ماده ۱۷۳ همین قانون که مدارک مورد نیاز برای درخواست تنفیذ حکم خارجی را ذکر کرده، در تعارض است.

علاوه بر مواد یادشده، مجموعه‌ای از موافقتنامه‌های دوجانبه همکاری‌های قضایی که در سال‌های اخیر با کشورهای مختلف به امضا رسیده‌اند و دربردارنده تنفیذ احکام محاکم خارجی هستند، مبین همین موضوع است.

افزون بر موارد ذکرشده، دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و اشخاص برای احقاق حق خود می‌توانند به دادگاه‌های صالح مراجعه کنند و این حق در اسناد داخلی و بین‌المللی حقوق بشر ازجمله اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۹۰ و بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد که کشور ایران نیز آن را تصویب کرده، مورد تأکید قرار گرفته است. همچنان که این حق برای اتباع بیگانه در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد تا بتوانند برای دادخواهی به دادگاه‌های کشور مراجعه کرده و طرح دعوا کنند. باید توجه داشت که هرچند مقرر قانونی مبنی بر مخالفت مطلق با شناسایی و اجرای احکام خارجی وجود ندارد. در عین حال، ماده ۹۷۲ قانون مدنی تصریح داشته: «احکام صادره از محاکم خارجه و همچنین اسناد رسمی لازم‌الاجرا تنظیم شده در خارجه را نمی‌توان در ایران اجرا نمود، مگر اینکه مطابق قوانین ایران امر به اجرای آن‌ها صادر شده باشد».

۱ در قسمتی از رأی شماره ۱۸۳۰/۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۹ شعبه ۸ دیوان عالی کشور چنین استدلال شده: «طلاق یکی از اعمال قضائی از نوع ایقاعات تشریفاتی است به این معنی که با یک اراده و با کلمات مخصوص و در حضور دو مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع می‌گردد همان‌طور که ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی منصوصاً بیان کرده است و مأخوذ از موازین شرعی است و اثر عمل حقوقی مزبور انحلال عقد دائم ازدواج است بنابراین در این دعوی در صورتی حکم به نفع خواهان (فرجام خواه) صادر می‌شود که ثابت نماید عمل حقوقی مذکور به درستی واقع شده است و در صورت شک، اصل بر عدم اعمال حقوقی است» (رأی شماره ۱۸۳۰/۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۰۹ شعبه ۸ دیوان عالی کشور به نقل از <https://wikihoghoogh.net/wiki>).

با این وصف، ممکن است چنین تصور شود که مقنن اصل را بر عدم امکان اجرای احکام صادره در محاکم خارجی گذاشته است. با وجود این، برخلاف ماده ۹۷۲ قانون مدنی، ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی اصل را بر لازم‌الاجرا بودن حکم خارجی در صورت وجود تمامی شرایط گذاشته است. «شرایطی که در این ماده به آن‌ها اشاره و در مواد بعدی پیش‌بینی شده‌اند به دو دسته قابل بخش است؛ دسته نخست شرایطی که مربوط به رأی است که درخواست اجرای آن می‌شود و دسته دوم شرایطی است که مربوط به کشور مبدأ یعنی کشوری است که رأی در آنجا صادر شده است».^۱

در همین راستا، به موجب نظریه مشورتی اداره حقوقی، «نظر به اینکه قوانین راجع به ازدواج و طلاق جزء احوال شخصیه بوده و برابر ماده ۶ قانون مدنی درمورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم خارج از کشور باشند مجری خواهد بود، برای اجرای آن باید اولاً محکوم‌له یا محکوم‌لها از دادگاه خانواده تهران تقاضای اجرا نمایند، ثانیاً این تقاضا باید همراه مدارک و مستندات باشد تا دادگاه پس از بررسی و تطبیق آن با قوانین داخلی در صورت تنفیذ و تأیید حکم صادره از دادگاه خارجی دستور اجرای آن را صادر نماید. در نتیجه مادامی که حکم صادره از مرجع قضایی خارجی در خصوص طلاق با قوانین داخلی منطبق نباشد، قابل اجرا در کشور نمی‌باشد».^۲

در تنفیذ حکم طلاق، دادگاه صرفاً مکلف به «بررسی» حکم دادگاه خارجی است تا احراز کند که آیا دادگاه در صدور رأی قوانین آمره ایران تخلف داشته است یا خیر. در مواردی که دادگاه صادرکننده رأی، از لحاظ ماهوی حکمی منطبق با قوانین ایران صادر کند و آن رأی برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد، موجبی برای عدم تنفیذ حکم وجود ندارد. درواقع رأی باید با محتوا و ماهیت قوانین ایران منطبق باشد. لازم به ذکر است رأی صادره از جهات شکلی به استناد ماده ۹۶۹ قانون مدنی ایران، تابع قانون و تشریفات اداری و قضایی کشور بیگانه است.

۱ شمس، عبدالله، اجرای احکام مدنی، جلد نخست، چاپ اول، (تهران: انتشارات دراک، پاییز ۱۳۹۷)، ش ۲۶۴، ص ۱۳۴.

۲ نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۳۲-۱۳۸۹/۰۵/۱۷-۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.

بند دوم. صلاحیت محلی محاکم خانواده ایران

در صلاحیت محلی، بحث این است که از میان دادگاه‌های خانواده موجود در کشور، کدام یک دارای صلاحیت رسیدگی هستند. صلاحیت محلی در دادگاه خانواده اصولاً تابع قواعد آیین دادرسی مدنی است، مگر اینکه در ق.ح.خ برخلاف آن مقرر شده باشد. با نگاه اجمالی به قانون حمایت خانواده به این نتیجه خواهیم رسید تصمیماتی که در قانون حمایت خانواده راجع به صلاحیت محلی اتخاذ شده، در راستای حمایت از زوجه و طفل است.

ماده ۱۲ ق.ح.خ این امتیاز را برای زوجه در نظر می‌گیرد که در صورت اختلاف با زوج، بتواند دعوا را در دادگاه خانواده محل سکونت خود اقامه کند. اما اقامه دعوی راجع به مطالبه مهریه غیر منقول، تنها در محل وقوع ملک امکان‌پذیر است. به موجب این ماده مقرر شده است: «در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوا کند مگر در موردی که خواسته، مطالبه مهریه غیر منقول باشد.»

نکته قابل تأمل آن است که زوجه، تنها در صورتی می‌تواند دعوا را در دادگاه محل سکونت خود مطرح کند که موضوع دعوا اختلافات خانوادگی باشد؛ مانند اثبات نکاح، طلاق، فسخ و غیره.^۱

مقنن در ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده اشعار می‌دارد: «هرگاه یکی از زوجین مقیم خارج از کشور باشد، دادگاه محل اقامت طرفی که در ایران اقامت دارد برای رسیدگی صالح است. اگر زوجین مقیم خارج از کشور باشند ولی یکی از آنان در ایران سکونت موقت داشته باشد، دادگاه محل سکونت فرد ساکن در ایران و اگر هر دو در ایران سکونت موقت داشته باشند، دادگاه محل سکونت موقت زوجه برای رسیدگی صالح است. هرگاه

۱ دعوی مطرح شده در ماده ۴ قانون حمایت خانواده لزوماً از اختلافات خانوادگی محسوب نشده و ماده ۱۲ این قانون راجع به آن‌ها اعمال نخواهد شد؛ مثل دعوی تغییر جنسیت. ملاک اعمال ماده ۱۲ وجود اختلاف ناشی از زندگی زناشویی است. رجوع کنید: داودی بیرق، حسین و السان، مصطفی، آیین دعاوی خانوادگی (به انضمام نمونه دادخواست‌ها و لوایح)، چاپ دوم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، تهران دی ۱۴۰۳، ص ۸۴.

هیچ‌یک از زوجین در ایران سکونت نداشته باشند، دادگاه شهرستان تهران صلاحیت رسیدگی را دارد، مگر آنکه زوجین برای اقامه دعوی در محل دیگر توافق کنند».

قانونگذار تابعیت ایرانیان را به منزله ضابطه‌ای برای تعیین صلاحیت دادگاه ایران در دعاوی بین زوجین در نظر گرفته است.^۱ به عبارتی مقنن با لحاظ قرار دادن دادگاه صالح بر احوال شخصیه ایرانیان خارج از کشور و با در نظر گرفتن این موضوع که طلاق از مصادیق احوال شخصیه محسوب می‌شود، اصل را بر صلاحیت دادگاه‌های داخلی نسبت به دعاوی خانوادگی اتباع ایران قرار داده است. به همین دلیل در ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده، ابتدا دادگاهی که محل اقامت یکی از زوجین در ایران است، صالح به رسیدگی به دعواست، اگر محل اقامت زوجین خارج از ایران باشد محل سکونت موقت ملاک بر صلاحیت دادگاه‌های داخلی است که اولویت با محل سکونت موقت زوجه است و اگر هیچ‌یک از زوجین در داخل کشور اقامتگاه یا سکونت موقت نداشته باشند، دادگاه صالح دادگاه عمومی شهرستان تهران در نظر گرفته شده است.^۲

به نظر می‌رسد قانونگذار بدین وسیله تمایل خود را به گسترش صلاحیت دادگاه‌های ایران اعلام کرده و بدون توجه به خوانده یا خواهان بودن شخصی که مقیم خارج از کشور است، حتی با نبود سکونت موقت در ایران؛ صلاحیت رسیدگی دادگاه ایرانی را مورد تأیید و تأکید قرار داده است.^۳

در نظام حقوقی ایران، صلاحیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی اصولاً با دادگاه‌های داخلی است، اما در برخی موارد خاص، مراجعه زوجین به دادگاه‌های خارجی ممنوع تلقی نمی‌شود. برای مثال، هرگاه یکی از زوجین تابعیت خارجی داشته باشد و قانون آن کشور صلاحیت رسیدگی به دعاوی خانوادگی را برای دادگاه‌های خود قائل شود، ممکن است

۱ ارفع‌نیا، بهشید، صلاحیت دادگاه‌های ایران در طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور، تحقیقات حقوق بین‌الملل، ۱۳۹۷، ص ۲۳۱.

۲ تفاوتی که ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده با ماده ۱۱. قانون آیین دادرسی مدنی دارد این است که در ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی تنها به محل اقامت، سکونت و یا سکونت موقت خوانده مختص بوده، این در حالی است که در ماده ۱۴ قانون یادشده فرقی نمی‌کند که شخصی که در ایران زندگی می‌کند خوانده باشد یا خواهان.

۳ ارفع‌نیا، همان، ص ۲۳۰.

دادگاه خارجی صالح شناخته شود. درواقع، برخی از دعوای خانوادگی منشأ قراردادی دارند و مراجعه به قانون منتخب، وفق مواد ۱۰ و ۱۰۱۰ قانون مدنی ایران، قاعدتاً با منعی روبه‌رو نیست. در این فرض، اگر زوجین مقیم خارج باشند و دادگاه خارجی براساس قوانین خود صلاحیت داشته باشد، مشروط بر اینکه مخالف نظم عمومی ایران نباشد، این امکان وجود دارد که حکم آن دادگاه در ایران به رسمیت شناخته شود.

همچنین در فرضی که زوجین توافق کرده باشند تا دعوای خانوادگی مانند طلاق توافقی یا مسائل مالی مرتبط با ازدواج از قبیل مهریه و نفقه در دادگاه کشور دیگری رسیدگی شود، این توافق قاعدتاً معتبر خواهد بود. چراکه در دعوای خانوادگی مانند طلاق، نفقه، حضانت و مهریه، اگر دادگاه خارجی مطابق قوانین خود صلاحیت داشته باشد و حکم آن مخالف شرع و قانون ایران نباشد، اجرای آن در دادگاه ایران، قاعدتاً با مانعی مواجه نخواهد بود.

به‌طور کلی، در نظام حقوقی ایران، اصل بر صلاحیت دادگاه‌های داخلی است، مگر در مواردی که یکی از زوجین تبعه خارجی باشد، زوجین مقیم خارج باشند، یا توافق معتبری مبنی بر مراجعه به دادگاه خارجی وجود داشته باشد. همچنین، احکام دادگاه‌های خارجی در صورتی در ایران شناسایی و اجرا می‌شوند که شرایط ماده ۹۷۰ قانون مدنی را دارا باشند.

گفتار دوم. شناسایی آرای طلاق خارجی در ایران

ابتدا مفهوم و مبانی شناسایی در قوانین داخلی و سپس شرایط و موانع شناسایی و تنفیذ رأی طلاق صادره از محاکم خارجی در ایران، بررسی می‌شود.

بند اول. بررسی مفهوم و مبانی شناسایی در قوانین داخلی

شناسایی حکم دادگاه خارجی به معنای به رسمیت شناختن اعتبار حقوقی رأی صادرشده از یک دادگاه خارجی در قلمرو کشور دیگر (مثلاً ایران) است. طی کردن فرایند شناسایی موجب می‌گردد حکم مزبور اثر حقوقی بیابد و ازجمله ذی‌نفع بتواند اجرای آن را درخواست کند. ازاین‌رو، میان «شناسایی» و «اجرای» حکم خارجی تفاوت وجود دارد. به

این معنا که شناسایی (Recognition)، به معنای پذیرش اعتبار حکم خارجی (مثلاً برای اثبات وقوع طلاق در یک کشور دیگر) بوده و در نتیجه آن، اجرای حکم خارجی می‌تواند همانند آرای قضایی داخلی درخواست شود. درحالی‌که، اجرا (Enforcement)، به معنای انجام تشریفات و اقدامات عملی مرتبط با عملیات اجرایی یک حکم (برای مثال، توقیف اموال محکوم‌علیه براساس حکم خارجی) است.^۱ پس از شناسایی، از حیث اجرا قاعدتاً تفاوتی میان حکم داخلی و خارجی وجود ندارد.

مطابق با ماده ۱۵ ق.ح.خ، «هرگاه ایرانیان مقیم خارج از کشور امور و دعاوی خانوادگی خود را در محاکم و مراجع صلاحیت‌دار محل اقامت خویش مطرح کنند، احکام این محاکم یا مراجع در ایران اجرا نمی‌شود مگر آنکه دادگاه صلاحیت‌دار ایرانی این احکام را بررسی و حکم تنفیذی صادر کند...»

باوجود مواد مندرج در فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی که به بحث «احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی» می‌پردازد، بررسی شناسایی و اجرای حکم خانوادگی در ماده ۱۵ ق.ح.خ محل تأمل است، مخصوصاً که ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی شرایط متعددی را برای اجرای حکم خارجی برشمرده و عملاً اجرای چنین حکمی را در ایران با محدودیت‌های بسیار جدی روبه‌رو ساخته است.

تنها تحلیلی که می‌توان برای توجیه ضرورت وجودی ماده ۱۵ ق.ح.خ ارائه داد آن است که قانون اجرای احکام مدنی، بر «اجرای حکم خارجی» تمرکز داشته و متعرض به اصطلاح «شناسایی» به‌عنوان مقدمه اجرای رأی خارجی نشده است هرچند که برخی از شرایط مندرج در ماده ۱۶۹ قانون یادشده عملاً بر ضرورت شناسایی (تنفیذ) رأی خارجی در محاکم کشورمان نیز دلالت دارد.

دقت بیشتر در ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) نشان می‌دهد که این ماده، برخلاف مقررات قانون اجرای احکام مدنی درمورد اجرای احکام خارجی، صریحاً شناسایی رأی خارجی را در قالب عبارت «حکم تنفیذی» به‌عنوان پیش‌شرط اجرای حکم

۱ نجفی‌زاده، لیلا، شناسایی و اجرای آرای داور داخلی در حقوق ایران و استرالیا، چاپ اول، (تهران: انتشارات دوران‌پیشان، ۱۴۰۳)، ص ۱۴.

خارجی در دعاوی خانوادگی به رسمیت شناخته است. این بدان معناست که شناسایی رأی خارجی در این دسته از دعاوی، مستلزم یک رسیدگی ماهوی و همه‌جانبه در دادگاه خانواده است. با این هدف که دادگاه ایرانی احراز کند دادگاه خارجی، نه تنها مقررات ماهوی ایران در زمینه احوال شخصیه، بلکه حتی تشریفات خاص دعاوی و اموری مانند طلاق را رعایت کرده است.

در کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی (۱۹۵۸ نیویورک) به جای واژه «تنفیذ» از اصطلاح «شناسایی» استفاده شده است. به نظر می‌رسد نظام قضایی کشورمان با واژه تنفیذ بیشتر خو گرفته است.^۱

شناسایی حکم خارجی به معنای معتبر تلقی شدن آن از نظر دادگاه داخلی است و چه بسا حکم خارجی، قابل شناسایی باشد اما قابلیت اجرایی نداشته باشد؛ مانند حکمی که در مورد اهلیت یا حجر شخصی در کشور خارجی صادر گردیده که جنبه اعلامی (غیراجرایی) دارد.^۲

در هر حال، بررسی و صدور حکم تنفیذی از سوی دادگاه صالح ایرانی نسبت به رأی دادگاه خارجی باید با رعایت قوانین و مقررات کشورمان صورت گیرد. بنابراین، دادگاه نمی‌تواند با وجود احراز شرایط شناسایی مذکور در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، بدون دلیل از شناسایی یا اجرای حکم خارجی در کشورمان امتناع کند.

اگر ایراد شود که ماده ۱۵ ق.ح.خ شرایطی بیش از ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی را مدنظر داشته، این ایراد مردود است؛ زیرا برای مثال هرگاه حکم دادگاه بیگانه در زمینه مسائل خانوادگی، با مقررات راجع به احوال شخصیه ایران تعارض داشته باشد این حکم به استناد بند ۲ ماده ۱۶۹ قانون پیش گفته قابل شناسایی و در نتیجه قابل اجرا نخواهد بود. بنابراین ماده ۱۵ ق.ح.خ از این حیث نیز چیزی به قواعد موجود داخلی نیفزوده است.

۱. ر.ک: قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی، تنظیم شده

در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷/۴/۳ ه.ش)، مصوب ۱۳۸۰/۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی.

۲. مهاجری، علی، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، ج ۲، چاپ دوم، (تهران: انتشارات فکر سازان، ۱۳۹۰)، ص ۲۹۵.

به هر حال، ذی نفع حکم خارجی می تواند از دادگاه صالح (که از جمله به موجب مواد ۱۲ تا ۱۵ ق.ح.خ قابل تشخیص است) تنفیذ حکم خارجی و نیز اجرای آن را بخواهد. این امر با درخواست (تقاضانامه) که باید شرایط مندرج در مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون اجرای احکام مدنی را داشته باشد، انجام می گیرد و نیازی به تقدیم دادخواست ندارد.^۱

بر اساس اصل حاکمیت دولت ها که از اصول حقوق بین الملل عمومی به شمار می آید؛ هیچ دولتی خارج از مرزهای خود حق حاکمیتی ندارد و نمی تواند اعمال حاکمیتی کند؛ از این رو آرای صادره در محاکم خارجی، اگر قرار باشد که در کشور دیگری اجرا شوند، ابتدا باید «شناسایی» شوند. منظور از شناسایی، تطبیق رأی صادره با قوانین کشور محل اجرا است. در نتیجه، اگر پس از بررسی، رأی صادره مطابق با قوانین ایران باشد، تنفیذ آن امکان پذیر خواهد بود؛ به این مرحله از رسیدگی «شناسایی» می گویند.

با صرف نظر از مسائل شکلی و تشریفات، فرایند شناسایی و تنفیذ با لحاظ قانون حاکم بر ماهیت امر در کشوری که شناسایی در آن درخواست شده است، انجام می گیرد. در مورد قانون ماهوی حاکم بر احوال شخصیه (مانند طلاق و اهلیت)، دو دسته از قانونگذاری در سطح جهانی وجود دارد: کشورهایی که در چنین مسائلی، «تابعیت» را مبنا قرار می دهند و کشورهایی که «اقامتگاه» را معیار تشخیص قانون قابل اجرا می دانند.^۲

یکی از اصول حقوق بین الملل خصوصی حق مکتسبه است. این اصطلاح به حقوقی اطلاق می شود که یک شخص بر اساس یک نظام حقوقی معتبر و مطابق با قوانین حاکم در زمان کسب آن، به دست آورده است. چنین حقوقی باید محترم شمرده شوند، حتی اگر بعداً قوانین تغییر کنند یا در نظام حقوقی دیگری مورد بررسی قرار گیرند. بنابراین این حقوق، در نظام های حقوقی دیگر نیز (در صورت عدم تعارض با نظم عمومی) باید مورد احترام قرار گیرند. بنابراین، صرف صدور رأی طلاق از دادگاه خارجی، موجبی برای بطلان یا بی اعتباری آن رأی و عدم شناسایی آن نخواهد بود.

۱ رجوع کنید: داودی بیرق و السان، آیین دعاوی خانوادگی، منبع پیشین.

۲ جنیدی، لیا، قانون حاکم در داوریه های تجاری بین المللی، چاپ اول، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶)، ص ۴۰.

بند دوم. شرایط و موانع شناسایی و تنفیذ رأی طلاق صادره از محاکم خارجی در ایران

در وهله اول باید توجه داشت که «شناسایی ملازمه‌ای با اجرای آن حکم ندارد و صدر ماده ۱۶۹ نیز به نحو دیگری این مطلب را بیان می‌کند. براساس این ماده اگر حکم صادره از کشور خارجی واجد شرایط ذکر شده باشد (یعنی شناسایی شود)، قابل اجرا است (نه اینکه لازم است اجرا شود) ... بنابراین اگر حکم خارجی توسط دادگاه معتبر تلقی شود ممکن است دستور اجرای آن صادر گردد». این بدان معناست که اگر برای مثال، حکم صادره از دادگاه خارجی صرفاً اعلامی باشد (مانند حکم به اهلیت یک شخص)، شناسایی آن ضرورت داشته اما اجرای آن منتفی می‌باشد.^۱

الف. شناسایی در فرض عدم مغایرت رأی خارجی با قوانین آمره ایران
درمورد دعوی طلاق زوجین ایرانی مقیم خارج از کشور، دادگاه‌های صالح داخلی، با لحاظ این موضوع که رأی صادره در خارج از کشور، با قوانین ماهوی کشورمان در زمینه احوال شخصیه و طلاق مغایرت نداشته باشد، باید نسبت به شناسایی آن رأی اقدام کنند. ازاین‌رو کنکاش برای یافتن محملی برای بطلان و بی اعتباری بدون دلیل چنین رأیی، فاقد مبنای قضایی و منطقی مستحکمی خواهد بود.

بنابراین، هرگاه دادگاه خارجی اصلاً اشاره یا تصریحی به قانون ایران نداشته باشد، اما رأی صادره مفاداً با قواعد آمره راجع به طلاق و نکاح در ایران مغایرتی نداشته باشد، دلیلی بر عدم شناسایی آن در حقوق ایران وجود ندارد. در نتیجه، «دادگاه‌های ایران نمی‌توانند آرای که در کشورهای دیگر صادر شده، در صورت موافق نبودن با مقررات قانونی ایران تنفیذ نمایند».^۲ اما اگر موافق قوانین ایران بوده یا مخالفی با مقررات ایران نداشته باشد، دلیلی بر عدم تنفیذ و اجرای چنین رأیی وجود نخواهد داشت.

۱ مهاجری، علی، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ هفتم، (تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۲)، ص ۲۹۵.

۲ رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۴۰۰۵۵۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۹ شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران.

برای مثال، در یک مورد دادگاه برای تأیید حکم صادره از دادگاه خارجی درمورد طلاق، ازجمله استدلال کرد که «اگرچه در نظام حقوقی ایالت متحده آمریکا، قاعده اعمال قانون اقامتگاه حاکم است که بر همین اساس قاضی دادگاه خارجی، قانون ایالت کلرادو را اجرا نموده، اما با ملاحظه رأی دادگاه داگلاس ایالت کلرادو، شماره پرونده DR۰۰۰۹۴۲۲۰۸ مورخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۹، رأی صادره ازسوی آن دادگاه، هیچ تعارض و مبینتی با قوانین ماهوی ایران ندارد، چراکه قاضی دادگاه خارجی (دادگاه داگلاس)، با عدم حضور خوانده (زوج) در جلسه دادگاه و عدم ارائه مدرک ازسوی وی که خودداری نمود، ازاین رو درخصوص اموال و یکسری مراودات مالی زوجین، اتخاذ تصمیم نمود و قید این عبارت ازسوی آن دادگاه، مبنی بر اینکه «خواهان (زوجه) نشان می‌دهد که طلاق را در ایران نیز دنبال خواهد نمود» نیز منافاتی با حکم صادره ندارد چراکه در این مرحله از رسیدگی وکیل تجدیدنظرخواه (زوجه)، درخصوص چگونگی وضعیت کلی موکل خود و نحوه متارکه آن‌ها، ازجمله حقوق مالی زوجه رفع ابهام نموده است»^۱.

ب. عدم شناسایی رأی خارجی در فرض عدم پذیرش قوانین آمره ایران
اگر دادگاه صادرکننده رأی طلاق در کشور خارجی تصریح کرده باشد که قوانین و مقررات ایران را درمورد احوال شخصیه قبول ندارد یا اصلاً آن‌ها را حاکم بر دعوای میان زوجین ایرانی ندانسته و قانون محل اقامت ایشان را بر این موضوع اجرا کرده باشد، چنین رأیی در دادگاه خانواده ایران قابل تنفیذ و اجرا نخواهد بود.
برای مثال، در موردی، «دادگاه .. در .. دبی صریحاً در رأی اعلام کرده که رأی صادره بدون توجه به قوانین احوال شخصیه طرفین انشا شده است»؛ چنین رأیی - به‌درستی - در دادگاه ایران مورد شناسایی و اجرا قرار نگرفت و محکوم‌له رأی صادره در دبی نتوانست ازطریق دادگاه خانواده ایران، چنین رأیی را تنفیذ و اجرا کند. ازجمله با این استدلال که «موضوع خواسته ایفای تعهدات مربوط به تنفیذ حکم صادره از محاکم امارات متحده

۱ دادنامه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۳ صادر شده از شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران؛ به نقل از: صانعیان، علی اصغر، «شناسایی و اجرای حکم طلاق صادر شده از دادگاه داگلاس ایالت کلرادو کشور آمریکا»، دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲ (بهمن ۱۴۰۱)، ص ۳۶۴.

عربی راجع به طلاق و شرط ضمن عقد راجع به تنصیف دارایی بوده که حسب محتویات از دادگاه امارات بدون توجه به احوال شخصیه صادر گردیده است.^۱ منطقاً نیز نباید انتظار داشت، دادگاه کشور خارجی که زوجین سال‌ها در آنجا اقامت داشته‌اند و حتی امکان دارد تابعیت مضاعف آن کشور را نیز داشته باشند، مقررات داخلی خود را صرفاً به‌خاطر اینکه موضوع «احوال شخصیه» است، کنار بگذارند و به قانون داخلی کشور دیگر (که زن و شوهر اصالتاً متعلق به آنجا هستند، اما امکان دارد به مرور زمان دلبستگی کمتری به آنجا داشته باشند)، در مقام صدور حکم راجع به طلاق استناد کنند. در این راستا این وظیفه برعهده حقوق‌دانان و دادگاه‌ها قرار دارد که در مقام اعمال و اجرای قاعده حقوقی و تطبیق حکم بر موضوع، هدف و غرض قانونگذار از وضع قانون را مورد توجه قرار دهند و آن را در راستای منافع خصوصی اشخاص و منافع عمومی جامعه به خدمت بگیرند.^۲

رویه قضایی تأکید دارد که اگر در رأی راجع به طلاق که در کشور دیگر صادر شده، قواعد آمره ایران در این زمینه رعایت نشده باشد، آن رأی قابل شناسایی نخواهد بود. «در خصوص دادخواست ... به خواسته تنفیذ حکم دادگاه کانادا ... نظر به اینکه به موجب ماده ۶ قانون مدنی قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح طلاق و اهلیت اشخاص و ارث درمورد کلیه اتباع ایرانی ولو اینکه مقید در خارج باشند مجری خواهد بود؛ لذا حکم استنادی خواهان به جهت اینکه برابر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران صادر نشده است قابلیت تنفیذ را ندارد زیرا اولاً: نوع طلاق (رجعی، خلع، بائن و غیره) مشخص نشده است ثانیاً: نوع رأی اصداری اعم از اینکه حکم باشد یا گواهی عدم امکان سازش و بالتبع آن تعیین مدت اعتبار آن مشخص نشده است ثالثاً: با توجه به شرط ضمن عقد و مندرجات سند ازدواج بعضی از حقوق و تکالیف زوجین از جمله درمورد جهیزیه و غیره تعیین

۱ رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۱۱۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۲ شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ به نقل از: سامانه ملی آرای قضایی، پژوهشگاه قوه قضاییه (<https://ara.iri.ac.ir/Judge/Text/10334>).

۲ کاتوزیان، ناصر، کلیات حقوق نظریه عمومی، چاپ نخست، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۱)، ص ۱۵۶.

تکلیف نشده است رابعاً: طلاق چنانچه توافقی بوده می‌بایست طرفین مشاوره و راهنمایی می‌شدند و یا چنانچه توافقی نبوده باید طرفین را به داور معرفی می‌نمودند.^۱

در رأی دیگری تصریح شده: «مطابق ماده ۶ قانون مدنی، قوانین موضوعه مربوط به احوال شخصیه که طلاق از جمله آن محسوب بوده، درباره نام‌برده مجری خواهد بود و تابعیت مضاعف... تأثیری در موضوع مطروحه نداشته و قابل اجرا بودن مقررات مربوط به احوال شخصیه موضوعه (ایران) را درباره نام‌برده منتفی نمی‌سازد... در صدور حکم مورد درخواست تنفیذ خواهان از سوی دادگاه خارجی، قواعد آمره مقرر در قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ که ارجاع امر به داوری و جلب نظر داوران زوجین از جمله آن محسوب بوده، رعایت نگردیده و عدم رعایت مقررات احوال شخصیه... از سوی دادگاه هامبورگ در رسیدگی به دعوای طلاق... مورد تأیید قرار گرفته است. بدین لحاظ تنفیذ حکم صادره از دادگاه هامبورگ آلمان به لحاظ عدم رعایت مقررات مربوط به احوال شخصیه ایران توجیه قانونی ندارد».^۲

در نهایت باید توجه داشت که صرف غیابی بودن حکم خارجی درباره طلاق یا سایر مسائل خانوادگی، مانع از شناسایی و تنفیذ آن در ایران نخواهد بود؛ زیرا از حیث قابلیت تنفیذ و اجرا، وصف «حضور یا غیابی» خصوصیتی ندارد و مؤثر نخواهد بود. باین حال، به نظر می‌رسد که اخذ تأمین یا ضامن مذکور در تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی، قبل از اجرای حکم غیابی صادره از خارج نیز، به منظور حمایت از حقوق محکوم علیه غایب و محفوظ نگه داشتن حق دفاع وی، ضرورت داشته باشد.

گفتار سوم. سازوکارهای غیرقضایی طلاق ایرانیان در خارج از کشور

منظور از سازوکارهای غیرقضایی طلاق ایرانیان در خارج از کشور، بررسی فروعی است که طلاق، با سازوکارهای غیرقضایی (بدون مراجعه به دادگاه ایرانی به منظور شناسایی و

۱ رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۳۰۰۸۳۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۳۱ شعبه ۳۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ به نقل از: ویکی حقوق (<https://wikihoghoogh.net>).

۲ رأی مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۱۰ شعبه دیوان عالی کشور [بدون ذکر شماره شعبه و شماره رأی]؛ به نقل از: سامانه ملی آرای قضایی، پژوهشگاه قوه قضاییه (<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/38009>).

تنفیذ حکم خارجی) یا با استفاده از تمهیدات تسهیل‌کننده‌ای که در قانون حمایت خانواده پیش‌بینی شده، قابل تحقق باشد. در این گفتار صدور صیغه طلاق شرعی به وسیله اشخاص صلاحیت‌دار و طلاق یک‌طرفه از سوی ایرانیان مقیم خارج از کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول. صدور صیغه طلاق شرعی توسط اشخاص صلاحیت‌دار

در مواردی مشاهده می‌شود هریک از زوجین با طرح دعوای طلاق در کشور محل اقامت خود از شریک زندگی خود جدا می‌شود. در همین زمینه مقنن در تبصره ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده برای تسریع در امور زوجین نسبت به جدایی اشعار می‌دارد:

«ثبت طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور در کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران به درخواست کتبی زوجین یا زوج با ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیت‌دار که با پیشنهاد وزارت امور خارجه و تصویب رئیس قوه قضائیه به کنسولگری‌ها معرفی می‌شوند امکان‌پذیر است.

ثبت طلاق رجعی منوط به انقضای عده است.

در طلاق بائن نیز زوج می‌تواند طلاق خود را با درخواست کتبی و ارائه گواهی اجرای صیغه طلاق توسط اشخاص صلاحیت‌دار فوق در کنسولگری ثبت نماید.

در مواردی که طلاق به درخواست زوج ثبت می‌گردد، زوج می‌تواند با رعایت این قانون برای مطالبه حقوق قانونی خود به دادگاه‌های ایران مراجعه نماید».

این تبصره در واقع ناسخ جزئی «ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق» (مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۲۱) است که تصریح می‌دارد: «از تاریخ تصویب این قانون زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه ... مراجعه و اقامه دعوی نمایند ... دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاق‌هایی را که

گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خاطی، سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد»^۱.

با نگاهی به تبصره یادشده مشخص می‌گردد اشخاص صلاحیت‌دار برای صدور طلاق شرعی افرادی هستند که ازسوی وزارت امور خارجه به قوه قضائیه معرفی می‌شوند و بعد از احراز شرایط آنها توسط قوه قضائیه، صلاحیت آنها برای صدور طلاق شرعی از طریق حکم رئیس قوه قضائیه رسمیت می‌یابد. طبق رویه معمول در نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، این اشخاص در صورتی می‌توانند نسبت به صدور طلاق شرعی اقدام کنند که اولاً رأی طلاق توسط دادگاه محل صادر و قطعی شده باشد؛ ثانیاً زوجین با حضور در محل دفتر اشخاص صلاحیت‌دار صدور طلاق شرعی را درخواست کنند.

به موجب ماده ۴۴ بخشنامه ارائه خدمات کنسولی، «مستند اصلی ثبت طلاق در نمایندگی‌های وزارت خارجه در خارج از کشور، گواهی اجرای صیغه طلاق شرعی صادره توسط اشخاص صلاحیت‌دار است. در گواهی اجرای صیغه طلاق شرعی صادره توسط اشخاص صلاحیت‌دار، باید نوع طلاق مشخص شده باشد و چنانچه طلاق از نوع خلع یا مبارات باشد مقدار بذل توسط زوج معلوم باشد»^۲.

بعد از صدور طلاق شرعی اگر طلاق رجعی باشد زوج یا زوجین می‌توانند با مراجعه به بخش کنسولی نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در محل اقامت خود طلاق‌شان را در دفتر سند سجلی طلاق ثبت کنند. در واقع، پس از جاری شدن صیغه طلاق شرعی توسط مرجع شرعی مورد تأیید نمایندگی‌های وزارت امور خارجه در خارج از کشور، واقعه طلاق در دفاتر مربوطه و شناسنامه زوجین ثبت می‌گردد. البته طبق آنچه در ذیل تبصره ماده ۱۵ ق.ح.خ به درستی آمده، «ثبت طلاق رجعی منوط به انقضای عده است».

۱ برای پیشینه موضوع قبل از اجرای تبصره ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده، رجوع کنید: توسلی نایینی، منوچهر، «بررسی یک رأی در مورد حکم طلاق صادره از دادگاه خارجی راجع به ایرانیان مقیم خارج از کشور»، مجله دادرسی، شماره ۵۸، (مهر و آبان ۱۳۸۵).

۲ بخشنامه ارائه خدمات کنسولی (ناظر بر دستورالعمل انجام خدمات کنسولی در نمایندگی)، ابلاغی طی نامه شماره ۲۷۴/۷۲۰/۲۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۸ توسط وزیر امور خارجه.

اگر طلاق به صورت بائن باشد زوجه نیز می‌تواند به تنهایی با مراجعه به نمایندگی جمهوری اسلامی در محل اقامت خود ثبت طلاق را درخواست کند. طلاق توافقی در کشور محل اقامت برای اتباع ایرانی به این صورت است که متقاضیان با در دست داشتن مدارک طلاق محلی کشور محل اقامت، پس از ثبت نام، بارگذاری مدارک و دریافت کد رهگیری در سامانه میخک به سفارت یا سرکنسولگری مراجعه می‌کنند.

اگرچه در تبصره ماده ۱۵ عنوان شده اگر طلاق به درخواست زوج باشد، زوجه می‌تواند با رعایت این قانون برای مطالبه حقوق قانونی خود به دادگاه‌های ایران مراجعه کند. ولی باید اذعان داشت که اگر درمورد حقوق مالی توسط دادگاه محل تعیین تکلیف نشده باشد و یا خود طرفین نسبت به حقوق مالی خود توافقی نکرده باشند. حتی اگر زوجه با مراجعه به بخش کنسولی نمایندگی درخواست طلاق خود را ثبت کند، این حق برای وی محفوظ است که برای مطالبه حقوق مالی خود به دادگاه‌های ایران مراجعه کند. درواقع، تحقق طلاق بین زن و شوهر، جز در مواردی که زوجه، صریحاً حقوق مالی خود را ابراء یا بذل کرده یا درمورد آن با شوهر مصالحه کرده باشد، منجر به سقوط یا اسقاط حقوق مالی زوجه نمی‌شود. به موجب قسمت اخیر ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده، «ثبت طلاق موکول به تأدیه حقوق مالی زوجه است؛ طلاق در صورت رضایت زوجه یا صدور حکم قطعی دایر بر اعسار زوج یا تقسیت محکوم به نیز ثبت می‌شود. در هر حال، هرگاه زن بدون دریافت حقوق مذکور به ثبت طلاق رضایت دهد می‌تواند پس از ثبت طلاق برای دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگستری مطابق مقررات مربوط اقدام کند».

بند دوم. طلاق یک طرفه توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور

در مواردی شاهد هستیم دادگاه محل اقامت زوجین حکم بر طلاق زوجین صادر کرده، ولی یکی از زوجین حاضر به مراجعه به اشخاص صلاحیت دار برای صدور طلاق شرعی نیست. در این گونه موارد هریک از زوجین می‌توانند با مراجعه به دادگاه صادرکننده حکم، رأی صادره را دریافت کنند و نسبت به ترجمه و تأیید آن ازسوی وزارت امور خارجه محل اقدام کرده و با ارائه درخواست طلاق با شرحی از علت جدایی، درخواست طلاق یک طرفه را از بخش کنسولی نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران داشته باشند.

در این حالت کارشناس بخش کنسولی با اخذ مدارک مربوطه و تشکیل پرونده، با ارسال اظهاریه‌ای به شخص خوانده اعلام می‌دارد که همسر زوج درخواست طلاق کرده و در اظهاریه ارسالی عنوان می‌شود که زوج یا زوجه نظر خود را نسبت به درخواست طلاق همسر خود به بخش کنسولی را اعلام کند. بعد از ابلاغ قانونی (معمولاً دریافت لایحه از سوی زوجه)، کارشناس کنسولی پرونده را طی گزارشی تحت عنوان شرح حالی از وضعیت زندگی زوجین به همراه مدارک لازم از جمله تأیید رأی طلاق صادره از دادگاه محل (که به تأیید وزارت امور خارجه محل رسیده)، وکالت در طلاق از سوی قاضی مأذون و... را به مرکز جهت تعیین تکلیف توسط قاضی مأذون قوه قضائیه ارسال می‌نماید. بعد از وصول پرونده به دفتر شعبه قاضی مأذون، نام‌برده با تشکیل جلسه دادرسی بدون حضور طرفین نسبت به صدور طلاق تعیین تکلیف می‌کند. رأی صادره در این باره قطعی است و قابل اعتراض و تجدیدنظر نخواهد بود. درواقع در این طلاق قاضی مأذون بدون تفیذ رأی صادره توسط دادگاه محل، اقدام به صدور حکم طلاق می‌کند. اگر قاضی مأذون حکم به عدم صدور طلاق صادر کند. هریک از زوجین می‌توانند با تقدیم دادخواست در دادگاه‌های داخلی درخواست طلاق کنند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این نوع دعاوی اصل دادرسی عادلانه به‌نحو شایسته‌ای اجرا نمی‌شود. زیرا اولاً جلسه دادگاه بدون حضور طرفین تشکیل می‌شود ثانیاً رأی صادره توسط قاضی مأذون قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است. این موارد به‌نظر می‌رسد با اصول مسلم دادرسی مغایرت دارد. چراکه یکی از لوازم اصل تناظر، رودرویی طرفین در حضور مقام رسیدگی است. به عبارتی زمینه‌های لازم برای تشکیل حداقل یک جلسه دادرسی از سوی دادگاه رسیدگی‌کننده الزامی است.^۱ رأی قاضی در صورتی که وارد ماهیت شده و راجع به ماهیت باشد، حکم نامیده می‌شود و در غیر این صورت وفق ماده ۲۹۹ ق.آ.د.م، «قرار» محسوب می‌گردد.

۱ افتخارجهرمی، گودرز و السان، مصطفی، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ چهارم، (تهران: انتشارات میزان، ۱۴۰۳)، ص ۹۷.

البته در یک مورد ماده ۵۳ بخشنامه آرائه خدمات کنسولی، اقدام قضایی در داخل ایراد را الزامی دانسته و تصریح کرده: «در صورتی که حکم قطعی طلاق توسط دادگاه کشور محل مراجعه صادر و متقاضی ثبت طلاق یکی از زوجین بوده و طرف غایب (مرد یا زن) فاقد هرگونه نشانی و تلفن نزد نمایندگی بوده و دسترسی و امکان برقراری ارتباط با وی میسر نباشد، متقاضی باید جهت پیگیری طلاق از طریق مراجع قضایی داخل کشور اقدام نماید». به نظر می‌رسد، در چنین مواردی، حمایت از حقوق غایب و پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده طرف مقابل، مبنای عمل قرار گرفته است.

گفتار چهارم. دادرسی الکترونیکی طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور

در عصر حاضر فناوری‌های الکترونیکی نقش برجسته‌ای در سیستم عدالت قضایی ایجاد کرده است. یکی از راهکارهای مهم برای افزایش سرعت و سهولت انجام خدمات قضایی، با حداقل حضور فیزیکی شهروندان و جلوگیری از اطاله دادرسی، ارائه این خدمات به صورت الکترونیکی است.^۱ به عبارتی دستاوردهای سریع، شفاف و کارآمد فناوری‌های نوین اطلاعات، نظام دادرسی را به سمت عملی کردن دادرسی الکترونیکی سوق می‌دهد. به طوری که در حال حاضر نحوه ثبت دادخواست و ابلاغ اوراق قضایی همگی به شکل الکترونیکی انجام می‌شوند.

در ماده ۹ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) ابلاغ الکترونیکی مشروط به توافق طرفین یا در صورتی که اطمینان از وصول اوراق حاصل شده باشد، مجاز دانسته شده است. در یک حکم کلی تر و دقیق تر که هرگونه ارتباط الکترونیکی را به رسمیت می‌شناسد، ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح می‌دارد:

«در هر مورد که به موجب قوانین آیین دادرسی و سایر قوانین و مقررات موضوعه اعم از حقوقی و کیفری، سند، مدرک، نوشته، برگه اجراییه، اوراق رأی، امضا، اثر انگشت، ابلاغ اوراق قضایی، نشانی و مانند آن لازم باشد، صورت الکترونیکی یا محتوای الکترونیکی آن

۱ خالویی تفتی، سیدسجاد و آقاعباسی، رضا، «اهمیت و نقش دادرسی الکترونیکی در رسیدگی های قضایی»، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۲۸، (آبان ۱۴۰۰)، ص ۱۰۶.

حسب مورد با رعایت سازوکارهای امنیتی مذکور در مواد این قانون و تبصره‌های آن کافی و معتبر است».

این ماده یادآور ماده ۶ قانون تجارت الکترونیکی است که مقرر می‌دارد: «هرگاه وجود یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، «داده‌پیام» در حکم نوشته است».

در بند (ب) ماده ۴۶ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه نیز مقرر شده: «سند الکترونیکی در حکم سند کاغذی است، مشروط بر آنکه اصالت صدور و تمامیت آن محرز باشد». در متن ماده ۶۵۵ به ضرورت رعایت سازوکارهای امنیتی در مدیریت مدارک الکترونیکی (در تمام مراحل اعم از تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش) تأکید شده است.

از حیث اعتبار یکسان مدارک الکترونیکی در مقایسه با اسناد و مدارک کاغذی، تبصره (۱) ماده ۶۵۵ نیز مفاد برخی از قوانین و مقررات راجع به ارتباطات الکترونیکی را تکرار کرده است. به موجب این تبصره «در کلیه مراحل تحقیق و رسیدگی حقوقی و کیفری و ارائه خدمات الکترونیک قضایی، نمی‌توان صرفاً به لحاظ شکل یا نحوه تبادل اطلاعات الکترونیکی از اعتبار بخشیدن به محتوا و آثار قانونی آن خودداری نمود. قوه قضائیه موظف است سامانه‌های امنیتی لازم را جهت تبادل امن اطلاعات و ارتباطات بین اصحاب دعوی، کارشناسان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، ضابطان و مراجع قضایی و سازمان‌های وابسته به قوه قضائیه ایجاد نماید».

مقایسه مفاد این تبصره با بند (۱) ماده ۸ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی^۱ که مقرر می‌دارد: «اعتبار یا قابلیت اجرایی ارتباط یا قرارداد، تنها به این دلیل که به شکل ارتباط الکترونیکی است، مورد انکار قرار نخواهد گرفت»؛ نشانگر آن است که اصول و قواعد یکسانی بر اعتبار سوابق و مدارک

۱ خوشبختانه ایران به این عهدنامه ملحق شده و آن را به عنوان قانون داخلی تصویب کرده است؛ رجوع کنید: «قانون تصویب معاهده (کنوانسیون) سازمان ملل متحد راجع به استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی» مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ مجلس شورای اسلامی؛ السان، مصطفی، حقوق تجارت الکترونیکی، چاپ دهم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۲).

الکترونیکی اجرا می‌شود. این اصول و قواعد محدود به تجارت الکترونیکی نیست و هر جا بتوان به مدارک و سوابق الکترونیکی استناد کرد یا از آن‌ها در فرایند رسیدگی و تصمیم‌گیری استفاده کرد، این اصول و قواعد اجرا می‌شود.^۱

آنچه که مسلم است با فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای تشکیلات جلسات دادگاه‌ها به صورت آنلاین بسیاری از مشکلات سیستم قضایی کشور نیز رفع خواهد گردید. برای مثال دادرسی الکترونیکی در بسیاری از موارد از اطاله دادرسی جلوگیری خواهد کرد یا به علت تشکیل جلسات به صورت آنلاین دادرس و کارمندان شعبه رسیدگی کننده از مظان اتهام فساد مالی و ... به دور خواهند ماند. همچنین با توجه به سکونت ایرانیان مقیم خارج از کشور در خارج از مرزهای ایران هزینه‌های سفر و ... منتفی شده و طرفین دعوا می‌توانند به صورت آنلاین در جلسه دادگاه شرکت کرده و از حقوق خود دفاع کنند. از همه مهم‌تر اینکه با دادرسی الکترونیک محدودیت‌های زمانی و مکانی به طرز شگرفی کاهش یافته و هزینه‌های سیستم قضایی نیز به گونه چشمگیری کاهش یافته و امنیت قضایی و اداری نیز افزایش می‌یابد.

از جمله اهداف و کارکردهای اصلی دادرسی الکترونیکی در دعاوی خانوادگی می‌توان به کاهش موانع جغرافیایی و زمانی برای افرادی اشاره کرد که به دلایل مختلف (مانند دوری مسافت) امکان حضور فیزیکی در دادگاه‌های کشور را ندارند. همچنین، بهره‌گیری از فرایندهای الکترونیکی زمینه‌ساز تسهیل در پیگیری غیرحضوری پرونده‌ها و امکان دسترسی به خدمات قضایی از راه دور را فراهم می‌سازد. کاهش هزینه‌های دادرسی، نظیر حذف هزینه‌های رفت و آمد، اقامت و سایر مخارج جانبی برای اصحاب دعوا، صرفه‌جویی در زمان و منابع قضایی و کاهش بار مالی دادگستری، از جمله کارآیی‌های دادرسی الکترونیکی به شمار می‌آید.^۲

۱ رجوع کنید: السان، مصطفی، *دادرسی مدنی الکترونیکی*، (تهران: چاپ پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۴۰۳).

۲ رجوع کنید: السان، مصطفی، *حقوق فضای مجازی*، چاپ بیست و سوم، (تهران: نشر شهر دانش، ۱۴۰۲).

دادرسی الکترونیکی در دعاوی طلاق می‌تواند تأخیر ناشی از تشریفات اداری را کاهش دهد و امکان رسیدگی سریع‌تر به این دسته از پرونده‌ها را فراهم سازد؛ به‌ویژه در مواردی که یکی یا هر دو طرف به دلایل منطقی، مانند ضرورت رفع محدودیت‌ها، بازگشت به ایران (به تنهایی یا به همراه فرزند) یا بیماری‌های ناشی از دورافتادگی از وطن و... نیاز به تسریع در روند رسیدگی دارند. تسریع در ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی ازجمله عوامل سرعت در این نوع از دادرسی‌ها محسوب می‌گردد. جلوگیری از مواجهه مستقیم و خصومت‌آمیز طرفین در محیط دادگاه، به‌خصوص در دعاوی حساسی مانند طلاق موجب کاهش تنش‌های عاطفی و روانی میان طرفین می‌گردد و در برخی موارد فضای آرام‌تری را برای حل و فصل اختلافات خانوادگی فراهم می‌آورد.

ثبت الکترونیکی تمام مراحل دادرسی و کاهش دخالت‌های انسانی غیرضروری، یکپارچه‌سازی سامانه‌های قضایی و کاهش خطاهای انسانی، امکان نظارت بهتر بر روند پرونده‌ها و جلوگیری از تصمیمات سلیقه‌ای، کاهش حضور فیزیکی افراد در دادگاه و حفظ اسرار خانوادگی و ارتقای کیفیت خدمات قضایی، ازجمله با استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی برای تحلیل پرونده‌ها و ارائه پیشنهادها، حقوقی، از دیگر کارکردهای دادرسی الکترونیکی نسبت به دعاوی طلاق محسوب می‌گردد که در بسیاری از موارد، نمی‌توان معادل یا همسانی برای آن دادرسی سنتی و غیرالکترونیکی یافت.

حتی اقامه شهادت از راه دور^۱ نیز قابل تصور است. بدین معنا که برای مثال، شخصی که در خارج از کشور حضور دارد می‌تواند از طریق ارتباط زنده صوتی - تصویری نسبت به امری شهادت دهد و دادرس، در دادگاه خانواده تهران پس از استماع شهادت وی، بر مبنای آن رأی دهد.^۲ با توجه به اطلاق ماده ۲۴۴ ق.آ.د.م،^۳ به نظر نمی‌رسد که منعی برای

1 Remote Witnessing.

۲ فریدمن، ریچارد دی، «شهادت از راه دور»، مترجم علیرضا قرجه‌لو، ماهنامه حقوقی کانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۷۶، (دی ۱۳۸۶).

۳ ماده ۲۴۴ ق.آ.د.م «در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه و همچنین در مواردی که دادگاه مقتضی بداند می‌تواند گواهی گواه را در منزل یا محل کار او یا در محل دعا توسط یکی از قضات دادگاه استماع کند».

استماع گواهی به شیوه فوق وجود داشته باشد. به شرط اینکه شرایط شاهد و سایر تشریفات، توسط مقام قضایی احراز و رعایت شده باشد.^۱

بنابراین با ایجاد زیرساخت‌های لازم می‌توان مشکلات بسیاری از اصحاب دعوا را با برگزاری جلسه الکترونیکی برطرف کرد؛ به‌طوری‌که هریک از زوجین، با برخورداری از حقوق مساوی و شرکت در جلسه دادرسی (که از اصول مسلم و پذیرفته‌شده نظام دادرسی به‌شمار می‌رود) از حقوق خود دفاع کنند و دادگاه رسیدگی‌کننده نیز رأی شایسته‌ای در این زمینه صادر کند. چنین رویکردی موجب خواهد شد اختلاف زن و شوهر (دارای تابعیت ایرانی) به شیوه‌ای الکترونیکی در دادگاه ایران و طبق قوانین و مقررات ایران مورد رسیدگی قرار گیرد و اجرای چنین رأیی در ایران با مانع، چالش یا تشریفات اضافی روبه‌رو نشود.

نتیجه و پیشنهاد

تأکید کشورمان به‌عنوان کشوری مهاجرفرست، بر اجرای قوانین مربوط به احوال شخصیه بر مبنای «تابعیت» و اجرای قوانین مبتنی بر «اقامت» در بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر، چالش‌های زیادی را برای ایرانیان مقیم خارج از کشور، در موضوع طلاق به‌وجود آورده است. به‌علاوه، ضرورت رعایت ضوابط و تشریفات شرعی در این نهاد هم امری است که باید به‌هنگام تقاضای تنفیذ رأی خارجی طلاق از دادگاه خانواده ایران، احراز گردد. اصرار بی‌مورد برای تطبیق هرآنچه در دادگاه خارجی رخ داده یا طی شده با قوانین شکلی و ماهوی ایران نیز موضوع دیگری است که به‌ویژه می‌تواند فرایند تنفیذ و اجرا را به‌شدت طولانی یا در حد غیرممکن دشوار سازد.

سخت‌گیری در اجرای متن قوانین شکلی و ماهوی داخلی در حوزه خانواده، موجب دوری هرچه بیشتر ایرانیان مقیم خارج از کشور، از وطن می‌گردد. زیرا وقتی تجربه بدی در مورد نحوه برخورد با بحث شناسایی و اجرای رأی خارجی راجع به طلاق در دادگاه‌های

۱ رجوع کنید: السان، مصطفی، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ چهارم، (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳)؛ السان، مصطفی و بهرامی، احسان، شرح جامع قانون آیین دادرسی مدنی و قوانین خاص مرتبط، چاپ چهارم، (تهران: دوراندیشان، ۱۴۰۳).

ایران وجود داشته باشد، این تجربه از طریق شبکه‌های مجازی به اشتراک گذاشته خواهد شد. نتیجه این خواهد بود که اشخاصی که اصالت آن‌ها ایرانی است و بر مبنای خون، ایرانی محسوب می‌شوند، اما ممکن است در خارج از کشور متولد یا رشد یافته باشند، یکی از چندین عوامل ارتباط و دلبستگی به موطن اصلی خود را که همانا دسترسی به دادگستری عادلانه، شفاف و سریع است، از دست می‌دهند.

در راستای تسهیل و برقرار نگه‌داشتن چنین ارتباطی است که تبصره ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده، یک سازوکار غیرقضایی برای ثبت و اجرای صیغه طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور پیش‌بینی کرده است. این فرایند، هرچند در بادی امر امکان دارد که برخلاف صلاحیت عام محاکم دادگستری در مسائل و موضوعات ترافعی به نظر برسد، اما قابل تأیید است. زیرا مقنن به خوبی دریافته که در صورت فقدان چنین سازوکاری، ایرانیان مقیم خارج از کشور، برای ثبت طلاق خود به مرجعی دسترسی نخواهند داشت یا ناگزیر به مراجعه به دادگاه کشور محل اقامت خود خواهند بود و این دادگاه‌ها نیز، براساس قانون کشور خود اقدام به صدور رأی می‌کنند و اساساً هیچ مراجعه‌ای به قانون ایران نخواهند داشت.

تفاوت عمده و در عین حال امتیاز برجسته ساز و کار غیرقضایی نسبت به روندهای قضایی، در فراهم‌سازی امکان دسترسی برای ایرانیان مقیم خارج از کشور نهفته است؛ زیرا، آن‌ها می‌توانند بدون نیاز به مراجعه به دادگاه ایرانی، در خارج از کشور با مراجعه به ادارات تابعه وزارت خارجه، مسائل و دعاوی راجع به طلاق یا برخی دیگر از مسائل خانوادگی خود را تعیین تکلیف کنند.

دستاوردهای سریع، شفاف و کارآمد فناوری‌های نوین اطلاعات، به قشرهای مختلف اجتماع و زندگی انسانی تحمیل شده‌اند. پیشرفت‌هایی که در این زمینه وجود دارند، بدون اینکه از طریق قوانین و مقررات قابل پیشگیری باشند، تنها مدیریت پذیرند. پذیرش عمومی ارتباطات الکترونیکی به طور مستقیم با منطق سرعت، دقت، هزینه کم و شفافیت در روابط اجتماعی ارتباط می‌یابد. از این رو، راهکار معقول برای حفظ اعتبار نظام قضایی ایران این است که قوه قضائیه - بدون اینکه حتی نیاز به تصویب قانون باشد - فرایندی تمام

الکترونیکی برای رسیدگی به مسائل خانوادگی و احوال شخصیه اتباع ایرانی در خارج از کشور، طراحی و اجرا کند.

این فرایند، نیاز به وضع قانون ندارد و چنانکه گفته شد، قانون تجارت الکترونیکی، ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری و برخی مقررات جدیدتر مانند دستورالعمل هوشمندسازی و الکترونیکی شدن فرایندها و پرونده‌های قضایی (بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۵۷۸۷/۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ رئیس قوه قضائیه)، بسترهای قانونی لازم برای اتخاذ چنین تصمیمی را فراهم کرده‌اند و اجرای این اقدام مترقی را امکان‌پذیر ساخته‌اند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Mostafa Elsan



<https://orcid.org/0000-0003-0956-3232>

Ali Aghayari



<https://orcid.org/0000-0000-0000-0000>

Leila Najafizadeh



<https://orcid.org/0000-0000-0000-0000>

منابع

الف. کتب فارسی:

- افتخارجهرمی، گودرز و السان، مصطفی، *آیین دادرسی مدنی*، جلد دوم، چاپ چهارم، (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳).
- السان، مصطفی، *حقوق فضای مجازی*، چاپ بیست و سوم، (تهران: نشر شهر دانش، ۱۴۰۲).
- السان، مصطفی و بهرامی، احسان، *شرح جامع قانون آیین دادرسی مدنی و قوانین خاص مرتبط*، چاپ چهارم، (تهران: دوران‌دیشان، ۱۴۰۳).
- السان، مصطفی، *آیین دادرسی مدنی*، جلد دوم، چاپ چهارم، (تهران: نشر میزان، ۱۴۰۳).
- السان، مصطفی، *حقوق تجارت الکترونیکی*، چاپ دهم، (تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۲).
- السان، مصطفی، *دادرسی مدنی الکترونیکی*، چاپ اول، (تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه و مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۴۰۳).

- جنیدی، لعیاء، *قانون حاکم در داوریه‌های تجاری بین‌المللی*، چاپ اول، (تهران: نشر دادگستر، تهران ۱۳۷۶).
- داودی بیرق، حسین و السان، مصطفی، *آیین دعاوی خانوادگی* (به انضمام نمونه دادخواست‌ها و لوایح)، چاپ دوم، (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، تهران دی ۱۴۰۳).
- شمس، عبدالله، *اجرای احکام مدنی*، جلد نخست، چاپ اول، (تهران: انتشارات دراک، پاییز ۱۳۹۷).
- کاتوزیان، ناصر، *کلیات حقوق نظریه عمومی*، چاپ نخست، (تهران: گنج دانش، ۱۴۰۱).
- مهاجری، علی، *شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی*، جلد دوم، چاپ هفتم، (تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۲).
- نجفی‌زاده، لیلا، *شناسایی و اجرای آرای داورى داخلی در حقوق ایران و استرالیا*، چاپ اول، (تهران: انتشارات دوراندیشان، ۱۴۰۳).

ب. مقالات:

- ارفع‌نیا، بهشید، «صلاحیت دادگاه‌های ایران در طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور»، تحقیقات حقوق بین‌الملل، شماره ۴۱، (پاییز ۱۳۹۷).
- توسلی نایینی، منوچهر، «بررسی یک رأی در مورد حکم طلاق صادره از دادگاه خارجی راجع به ایرانیان مقیم خارج از کشور»، مجله دادرسی، شماره ۵۸، (مهر و آبان ۱۳۸۵).
- خالویی تفتی، سیدسجاد و آقاعباسی، رضا، «اهمیت و نقش دادرسی الکترونیکی در رسیدگی‌های قضایی»، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال سوم، شماره ۲۸، (آبان ۱۴۰۰).
- صانعیان، علی اصغر، «شناسایی و اجرای حکم طلاق صادرشده از دادگاه داگلاس ایالت کلرادو کشور امریکا»، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲ (بهمن ۱۴۰۱).
- فریدمن، ریچارد دی، «شهادت از راه دور»، مترجم علیرضا قرجه‌لو، ماهنامه حقوقی قانون سردفتران و دفتریاران، شماره ۷۶، (دی ۱۳۸۶).
- کریمی، عباس؛ السان، مصطفی و آقاییاری، محمد، «دادرسی مدنی الکترونیکی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۲، (تیر ۱۳۹۹).

ج. رویه قضایی، قوانین و مقررات:

- بخشنامه ارائه خدمات کنسولی (ناظر بر دستورالعمل انجام خدمات کنسولی در نمایندگی)، ابلاغی طی نامه شماره ۲۷۴/۷۲۰/۲۰۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۱۸ توسط وزیر امور خارجه. منبع: <https://dotic.ir/news/7089> (تاریخ مشاهده جمعه - ۰۲ خرداد ۱۴۰۴).

- دستورالعمل هوشمندسازی و الکترونیکی شدن فرایندها و پرونده‌های قضایی، بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۵۷۸۷/۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ رئیس قوه قضاییه.

- رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۸۳۰ مورخ ۱۳۹۱.۱۲.۰۹ شعبه ۸ دیوان عالی کشور به نقل از <https://wikihoghoogh.net/wiki> - تاریخ مراجعه پنجشنبه - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴).

- رأی شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۱۱۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۱۲ شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ به نقل از: سامانه ملی آرای قضایی، پژوهشگاه قوه قضاییه <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10334> (تاریخ مراجعه پنجشنبه - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴).

- رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۲۴۰۰۵۵۰ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۹ شعبه ۲۴ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ به نقل از: سامانه ملی آرای قضایی، پژوهشگاه قوه قضاییه <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/38009> (تاریخ مراجعه پنجشنبه - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴).

- رأی شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۳۰۰۰۸۳۵ مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۳۱ شعبه ۳۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ به نقل از: ویکی حقوق <https://wikihoghoogh.net> (تاریخ مراجعه پنجشنبه - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴).

- رأی شماره ۹۴۰۹۹۸۱۳۱۰۸۰۰۲۰۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۲۰ شعبه بیست و دوم دیوان عالی کشور؛ به نقل از: سامانه ملی آرای قضایی، پژوهشگاه قوه قضاییه <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/10334> (تاریخ مراجعه پنجشنبه - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴).

- رأی مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۳ صادرشده از شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران (به نقل از: صانعیان، علی اصغر، «شناسایی و اجرای حکم طلاق صادر شده از دادگاه داگلاس ایالت

- کِلرادو کشور امریکا»، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲ بهمن ۱۴۰۱).
- رأی مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۱۰ شعبه دیوان عالی کشور [بدون ذکر شماره شعبه و شماره رأی]؛ به نقل از: سامانه ملی آرای قضایی، پژوهشگاه قوه قضائیه (<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/25974>) (تاریخ مراجعه پنجشنبه - ۲۸ فروردین ۱۴۰۴).
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی، تنظیم شده در نیویورک به تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۳۷/۰۴/۰۳ ه.ش)، مصوب ۱۳۸۰/۰۱/۲۱ مجلس شورای اسلامی.
- «قانون تصویب معاهده (کنوانسیون) سازمان ملل متحد راجع به استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین المللی» مصوب ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ مجلس شورای اسلامی.
- ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی.
- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۳۲ - ۱۳۸۹/۰۵/۱۷ اداره حقوقی قوه قضائیه.

References

1. Eftekhari Jahromi, Goodarz and Elsan, Mostafa, Civil Procedure Code, Volume 2, Fourth Edition, Mizan Publishing House, Tehran 1403 (In Persian).
2. Elsan, Mostafa, Cyberspace Law, 23rd edition, Shahr Danesh Publishing House, Tehran 1402 (In Persian).
3. Elsan, Mostafa and Bahrami, Ehsan, Comprehensive Explanation of Civil Procedure Code and Related Special Laws, 4th Edition, Durandishan, Tehran 1403 (In Persian).
4. Elsan, Mostafa, Civil Procedure Code, Volume 2, Fourth Edition, Mizan Publishing, Tehran 1403 (In Persian).
5. Elsan, Mostafa, Electronic Commerce Law, 10th edition, Samt Publications, Tehran 1402 (In Persian).

6. Elsan, Mostafa, Electronic Civil Proceedings, Judiciary Research Institute and Judiciary Press and Publications Center, Tehran 1403 (In Persian).
7. Junidi, Laia, Governing Law in International Commercial Arbitration, first edition, Dadgostar Publishing House, Tehran, 1997 (In Persian).
8. Davoudi Bayraq, Hossein and Elsan, Mostafa, Family Litigation Procedure (including sample petitions and bills), second edition, Judiciary Press and Publications Center, Tehran, January 1403 (In Persian).
9. Shams, Abdollah, Execution of Civil Judgments, Volume 1, First Edition, Drak Publications, Tehran, Fall 2018 (In Persian).
10. Katouzian, Nasser, General Principles of General Theory of Law, first edition, Ganj Danesh, Tehran 1401 (In Persian).
11. Mohajeri, Ali, Comprehensive Explanation of the Law of Civil Enforcement, Volume 2, Seventh Edition, Fekrsazan Publications, Tehran 2013 (In Persian).
12. Najafizadeh, Leila, Recognition and Enforcement of Domestic Arbitration Awards in Iranian and Australian Law, First Edition, Durandishan Publications, Tehran, 1403 (In Persian).
13. ArfaNia, Behshid, Jurisdiction of Iranian Courts in Divorce of Iranians Living Abroad, International Law Research, No. 41, Fall 2018 (In Persian).
14. Tavasoli Naini, Manouchehr, Review of a decision regarding a divorce decree issued by a foreign court regarding Iranians residing abroad, Journal of Litigation, No. 58, October and November 2006 (In Persian).
15. Khaloui Tafti, Seyed Sajjad and Agha Abbasi, Reza, The importance and role of electronic proceedings in judicial proceedings, Journal of Islamic Sciences Research and Studies, Year 3, No. 28, November 1401 (In Persian).

16. Saneian, Ali Asghar, Recognition and Enforcement of Divorce Decree Issued by the Douglas Court, Colorado, USA, Bi-Quarterly Journal of Judicial Decision Criticism and Analysis, Volume 1, Issue 2 - Serial Issue 2, Bahman 1401 (In Persian).
17. Friedman, Richard D., Remote Witnessing, translated by Alireza Qarjehlou, Legal Monthly of the Association of Notaries and Assistants, No. 76, December 2007 (In Persian).
18. Karimi, Abbas; Elsan, Mostafa and Aghayari, Mohammad, Electronic Civil Proceedings, Quarterly Journal of Private Law Studies, Volume 50, Number 2, July 2020 (In Persian).



استناد به این مقاله: السان، مصطفی، آقاییاری، علی و نجفی زاده، لایلا. (۱۴۰۴). چالش‌ها و مسائل طلاق ایرانیان مقیم خارج از کشور با تأکید بر رویه قضایی. پژوهش حقوق خصوصی، (۵۰) ۱۳، ۳۶-۱.
doi: , 13, (۵۰) doi: .-



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.